

بررسی ویژگی‌های شناختی - اجتماعی بازنمایی ذهنی دغدغه‌های اخلاقی:
گروه‌بندی، جهت‌گیری انگیزشی و بافت ارتباطی بنیادهای اخلاقی

*پگاه نجات¹، فاطمه باقریان²، جواد حاتمی³، امید شکر⁴

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی، 2. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، 3. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، 4. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ وصول: 93/06/07 - تاریخ پذیرش: 93/11/10)

Examining Social-cognitive Characteristics of the Mental Representation of Moral Concerns: Grouping, Motivational Orientation and Relational Context of Moral Foundations

*Pegah Nejat¹, Fatemeh Bagherian², Javad Hatami³, Omid Shokri⁴

1. Ph.D. Student in General psychology, Shahid Beheshti University, 2. Assistant Professor in Department of Psychology, Shahid Beheshti University, 3. Assistant Professor in Department of Psychology, University of Tehran, 4. Assistant Professor of Psychology, Shahid Beheshti University.

(Received: Aug. 29, 2014 - Accepted: Jan. 30, 2015)

Abstract

Aims: Moral Foundations Theory is among the latest theories of moral judgement in social cognition. This theory has specified six foundations of care, fairness, loyalty, authority, sanctity, and liberty as underlying morality concerns. The present study aimed to examine the characteristics of these foundations in Iranian moral mentality and compared them against foreign findings and predictions, particularly the recent debate between two leading theorists in this field, i.e. Graham and Janoff-Bulman. **Method:** Participants were 172 Iranians who were questioned about ideal society and moral and immoral behaviors. Responses were examined and categorized based on belongingness to foundations. Accordingly, foundation exemplars and their motivational weight and relational context were determined. To determine the grouping of foundations, exploratory factor analysis; to compare foundations regarding motivational weight, analysis of variance; and to compare the frequency of foundation exemplars between relational contexts, chi-square test was used. **Results:** The number of extracted factors from the foundations was three in the context of each of the three questions. Foundations were found to differ regarding motivational weight; however, almost all of them had exemplars from both motivational orientations. Moreover, despite the focus of each foundation on one or two particular relational contexts, almost all foundations had exemplars referring to all three relational contexts. **Conclusion:** Findings provided support for the three-folded super-structure of morality. Results also indicated that Janoff-Bulman has drawn a narrow image of the motivational orientation of foundations, just as assumptions of moral foundation theorists underestimate the variability in relational contexts of foundations.

Keywords: Relational Context, Motivational Orientation, Moral Judgment, Moral Foundations Theory.

چکیده

مقدمه: نظریه بنیادهای اخلاقی از جمله نظریات اخیر درباره‌ی قضاوت اخلاقی در حوزه شناخت اجتماعی است. این نظریه، شش بنیاد مراقبت، انصاف، وفاداری، اطاعت، تقدس و آزادی را زیربنای دغدغه‌های اخلاقی شمرده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های این بنیادها در ذهنیت اخلاقی فرهنگ ایرانی و مقابله آن با یافته‌ها و پیش‌بینی‌های خارجی، از جمله مجادله اخیر دو نظریه‌پرداز این حوزه، گراهام و جنوف - بالمن، انجام شده است. **روش:** شرکت‌کنندگان، 172 نفر ایرانی بودند که از آن‌ها درباره جامعه آرمانی و رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی سؤال شد. پاسخ‌های افراد از نظر تعلق به بنیادها بررسی و کدگذاری شد. براساس آن، مصداق‌های هر بنیاد و بار انگیزشی و بافت ارتباطی آن‌ها تعیین شد. برای تعیین گروه‌بندی بنیادها از تحلیل عاملی اکتشافی، برای مقایسه بار انگیزشی بنیادها از تحلیل واریانس و برای مقایسه فراوانی مصداق‌های هر بنیاد در بافت‌های ارتباطی از آزمون خی‌دو استفاده شد. **یافته‌ها:** تعداد عامل‌های استخراج‌شده از بنیادها در متن هر یک از سه پرسش سه بود. بنیادها از نظر بار انگیزشی با هم متفاوت بودند، اما تقریباً همه آن‌ها مصداق‌هایی از هر دو جهت‌گیری انگیزشی داشتند. همچنین، علی‌رغم تمرکز هر بنیاد بر یک یا دو بافت خاص، تقریباً همه آن‌ها مصداق‌هایی معطوف به هر سه بافت ارتباطی داشتند. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها از ابرساختار سه‌گانه‌ی اخلاق حمایت می‌کنند. نتایج همچنین بیانگر آن است که جنوف - بالمن تصویر محدودی از جهت‌گیری انگیزشی بنیادها ترسیم کرده است، همان‌طور که فرضیات پردازندگان نظریه بنیادهای اخلاقی نیز تنوع بافت ارتباطی بنیادها را دست‌کم گرفته است.

واژگان کلیدی: بافت ارتباطی، جهت‌گیری انگیزشی، قضاوت اخلاقی، نظریه بنیادهای اخلاقی.

مقدمه

بنیاد وفاداری/خیانت⁵ بر وظایف منتج از عضویت در یک گروه، از جمله تلاش برای ارتقای گروه خودی در رقابت با گروه‌های دیگر و هشیاری در مقابل خیانت سایر اعضا دلالت دارد.

بنیاد اطاعت از مرجع قدرت/براندازی⁶ وظایف مرتبط با جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی، از جمله ابراز اطاعت و احترام به افراد یا نهادهای دارای جایگاهی بالاتر از فرد را شامل می‌شود.

بنیاد تقدس/تنزل⁷ نماینده نگرانی افراد نسبت به آلودگی فیزیکی و روحی است و مواردی چون حفظ پاکیزگی، پرهیزهای غذایی و عفت در روابط جنسی را در بر می‌گیرد. مراقبت و انصاف بنیادهای فردگرایانه⁸ و وفاداری، اطاعت و تقدس بنیادهای پیوندگرایانه⁹ محسوب شده‌اند (گراهام و همکاران، 2011).

اخیراً اضافه شدن بنیاد ششمی تحت عنوان آزادی/سرکوب¹⁰ نیز مدنظر قرار گرفته است (ایر، کلوا، گراهام، دیتو و هایت، 2012) که بر اساس آن، دخالت در زندگی شخصی افراد کاری غیراخلاقی بوده و آزادی‌های فردی و حفظ مالکیت و اختیار بر سرنوشت و دارایی‌های شخصی از اهمیت زیادی برخوردار است.

با اینکه موضوع اخلاق از دیرباز مورد علاقه اندیشمندان بوده است، اما قدمت مطالعه علمی آن در روان‌شناسی چندان زیاد نیست و عموماً آغاز آن را به کلبرگ، روان‌شناس پیرو سنت پیازه، در دهه‌ی 1970 نسبت می‌دهند. در حوزه شناخت اجتماعی، هایت و جوزف (2004)، با الهام از یافته انسان‌شناسانه شودر، ماهاپاترا، ماچ و پارک (1997)، نظریه‌ای را مطرح نمودند که نسبت به نظریات پیشین، پوشش بهتری را برای دغدغه‌های اخلاقی فرهنگ‌های گوناگون فراهم می‌کند. این نظریه که نظریه بنیادهای اخلاقی¹ نام دارد، تعدادی بنیاد را به‌عنوان آمادگی‌های ذاتی نوع بشر برای درک و پذیرش قواعد اخلاقی معرفی می‌کند که بنابر اصل یادگیری فرهنگی این نظریه، بسته به ویژگی‌های محیط، می‌توانند تضعیف یا تقویت شوند (گراهام، نوزک، هایت، ایر، کلوا و دیتو²، 2011).

بنیاد مراقبت/آسیب³ دلالت بر کمک کردن به دیگران و اجتناب از آسیب رساندن به آن‌ها دارد. بنیاد انصاف/تقلب⁴ بیانگر حساسیت نسبت به نشانه‌های همکاری و تقلب است و مفاهیم انتزاعی عدالت و حقوق را در بر دارد.

5. Loyalty/betrayal
6. Authority/subversion
7. Sanctity/degradation
8. Individualizing
9. Binding
10. Liberty/oppression

1. Moral Foundations Theory
2. Graham, Nosek, Haidt, Iyer, Koleva & Ditto
3. Ccare/harm
4. Fairness/cheating

سرکوب خودخواهی و اخلاق توصیه‌ای، فعال‌سازی نوع دوستی⁵ را در بردارد. جنوف - بالمن و کارنز (2013a) چارچوبی به نام مدل انگیزه‌های اخلاقی⁶ را برای توصیف حوزه‌ی اخلاق پیشنهاد نموده‌اند (شکل 1).

دو بعد این مدل، جهت‌گیری انگیزشی (پرهیزی / توصیه‌ای) و بافت ارتباطی هدف است. منظور از بافت هدف بافتی است که یک انگیزه‌ی اخلاقی مشخص معطوف به آن است و نزدیک‌ترین تاثیر خود را بر آن می‌گذارد که شامل فردی (رابطه فرد با خودش)، میان فردی (رابطه فرد با دیگری) و جمعی (رابطه فرد با گروه خودی) می‌شود. اخلاق فردی به چگونگی نگرش و برخورد افراد نسبت به بدن و روان خودشان و سرکوب کردن یا مجال دادن به خواسته‌های خود اختصاص دارد. در اخلاق گروه محور، اخلاقی یا غیراخلاقی بودن یک عمل مشخص بر اساس تأثیری که بر گروه خودی یا اعضای آن می‌گذارد تعیین می‌شود. درحالی که در حوزه اخلاق میان فردی، فردی که هدف عمل قرار گرفته است هویتی شخصی و متمایز از فرد عامل دارد و لذا "دیگری" خوانده می‌شوند.

از زمان ارائه‌ی این نظریه، بحث‌هایی در مورد چند و چون بنیادها توسط افراد مختلف مطرح شده است.

یکی از اخیرترین انتقادات از سوی جنوف - بالمن و کارنز (2013a; 2013b) صورت‌بندی شده است. پیشتر، جنوف - بالمن، شیخ و هپ (2009) با این استدلال که اخلاق در اساس نوعی تنظیم‌گری رفتار است، دو جهت‌گیری انگیزشی شناخته شده، یعنی بازداری¹ و فعال‌سازی² را به حوزه‌ی اخلاق تعمیم داده و بر اساس آن، دو نوع اخلاق پرهیزی³ و توصیه‌ای⁴ را از یکدیگر متمایز ساختند. اخلاق پرهیزی که ریشه در گرایش رفتاری اجتناب دارد، بر آنچه ما نباید انجام دهیم تمرکز دارد و مقاومت در برابر و سوسه انجام کاری بد را در بر می‌گیرد. برآمد آن محافظت در برابر آسیب است، به تهدید حساس استو ماهیتی اجباری دارد. در مقابل، اخلاق توصیه‌ای ریشه در گرایش رفتاری پیشروی دارد و بر آنچه ما باید انجام دهیم تمرکز دارد و مستلزم آن است که فرد بر اینرسی خود غلبه نموده و کاری خوب انجام دهد. برآمد آن فراهم نمودن بهزیستی است، به پاداش حساس استو ماهیتی اختیاری دارد.

جنوف - بالمن و کارنز (2013a)

همچنین تصریح نموده‌اند اخلاق پرهیزی،

5. Altruism
6. Model of Moral Motives
7. Context

1. Inhibition
2. Activation
3. Proscriptive
4. Prescriptive

فردی	میانفردی	جمعی
بازداری (اخلاق پرهیزی)	مهاری خود، میانه‌روی	آسیب‌زدن
فعال‌سازی (اخلاق توصیه‌ای)	سخت‌کوشی	کمک‌کردن، انصاف
نظم اجتماعی	عدالت اجتماعی	

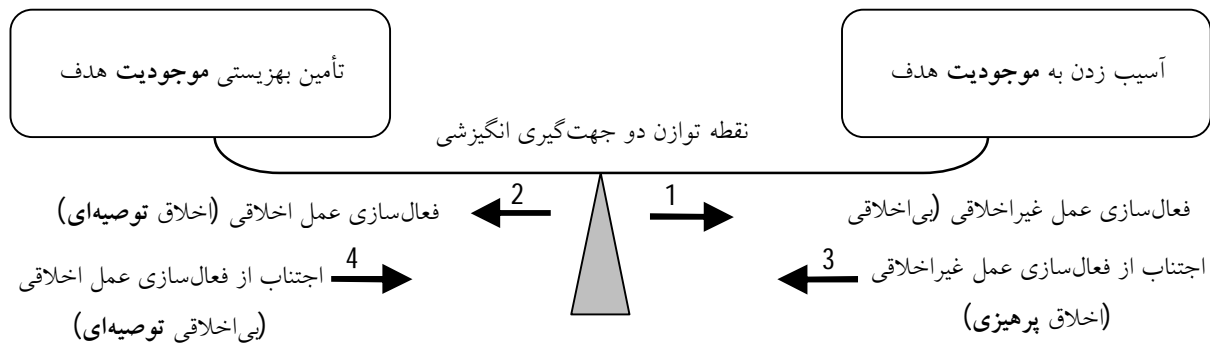
شکل 1. مدل انگیزه‌های اخلاقی (جنوف - بالمن و کارنز، 2013a).

مسئولیت جمعی محقق می‌شود. بر باور ایشان، اخلاق گروه‌محوری که در نظریه بنیادهای اخلاقی مدنظر است، منحصر به نوع نظم اجتماعی است. در پاسخ، گراهام (2013) این انتقاد را که نگرش نظریه بنیادهای اخلاقی عمدتاً پرهیزی است رد نموده و نام‌گذاری بنیادها به صورت زوج‌های اخلاقی/ غیراخلاقی را گواه آن می‌داند که در مفهوم‌سازی تمام بنیادها هر دو جنبهٔ بازداری عمل غیراخلاقی و فعال‌سازی عمل اخلاقی لحاظ شده است. همچنین علی‌رغم غلط‌انداز بودند سته‌بندی فردگرایانه - پیوندگرایانه، از دید وی دلیلی وجود ندارد که هر یک از بنیادها معطوف به تنها یک بافت ارتباطی خاص باشند.

وینگاشت دیگری بین مدل انگیزه‌های اخلاقی و نظریهٔ بنیادهای اخلاقی پیشنهاد می‌کند که در آن، در بافت فردی بنیاد تقدس، در بافت میان‌فردی همه بنیادها به غیر از وفاداری و در بافت جمعی هر پنج بنیاد قرار دارند (بنیاد آزادی موضوع بحث در این دو مقاله نیست). گذشته از این، به نظر او، مدل انگیزه‌های اخلاقی الهام‌بخش این سؤال جالب است که آیا می‌توان دغدغه‌هایی برای هر کدام از خانه‌های ماتریس کامل ((بنیاد × بافت ارتباطی × جهت‌گیری انگیزشی)) یافت یا خیر؟

این محققان، در نگاشت نظریه بنیادهای اخلاقی بر مدل خود، آسیب‌زدن را در خانه پرهیزی - دیگری، مراقبت و انصاف را در خانه توصیه‌ای - دیگری و وفاداری و اطاعت از مرجع قدرت را در خانه پرهیزی - گروه قرار داده‌اند. از آنجاکه بنیاد تقدس از دید پردازندگان نظریه بنیادهای اخلاقی پیوندگرایانه شمرده شده است، جنوف - بالمن و کارنز (2013a) این بنیاد را نیز در خانه پرهیزی - گروه قرار دادند. سایر خانه‌ها، یعنی دو ستون بافت فردی و خانه اخلاق گروه‌محور توصیه‌ای، از دید ایشان، در نظریه بنیادهای اخلاقی مورد غفلت واقع شده است.

جنوف - بالمن و کارنز (2013a) دو نوع اخلاق گروه‌محور به نام‌های نظم اجتماعی و عدالت اجتماعی را از یکدیگر تفکیک نموده‌اند که نماینده دو شیوهٔ متفاوت برای "به هم چسباندن" آدم‌ها هستند. در نوع نظم اجتماعی، هدف، محافظت از اعضای گروه در مقابل تهدیدات بیرونی و برقراری نظم و امنیت گروه است که با رویکردی محدودکننده از راه تأکید بر همگنی مکانیکی، سلسله مراتب درون‌گروهی، متابعت و وفاداری به گروه محقق می‌شود. در نوع عدالت اجتماعی، هدف، بهزیستی اعضای گروه و کاهش نابرابری است که با رویکردی گشوده‌تر، از راه پذیرش تفاوت‌ها، تعیین اهداف مشترک و



شکل 2. الگوی کلی پیشنهادی برای تعیین جهت گیری انگیزشی رفتارهای اخلاقی/غیر اخلاقی.

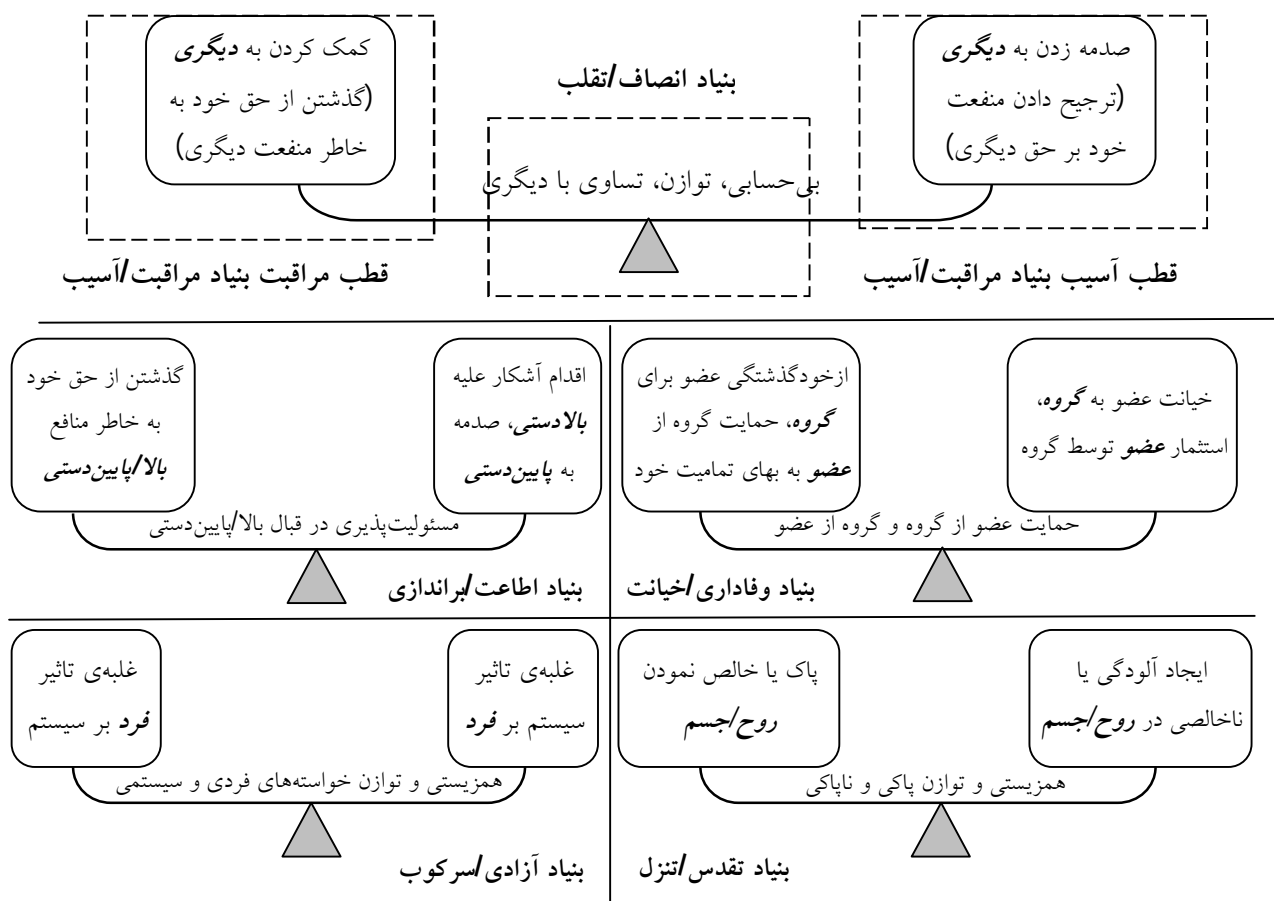
تکیه بر این تعاریف، الگویی منسجم برای تعیین جهت گیری انگیزشی رفتارها پیشنهاد می شود (شکل 2). این مدل الاکنگی از یک نقطه توازن و دو کفه آسیب زدن و تأمین بهزیستی تشکیل شده است. انجام عملی در جهت هر کدام از این دو کفه به معنای فعال سازی آن گرایش خواهد بود (فلش های 1 و 2) و امتناع از انجام دادن عملی در جهت هر کدام نیز به معنای اجتناب از آن خواهد بود (فلش های 3 و 4). در این مدل، هر عمل یا رفتار معین توسط مکان و جهت آن قابل بازنمایی است. اگر این عمل در سمت راست نقطه توازن واقع باشد، یعنی نسبت به آسیب زدن تعریف شده باشد، بنیان پرهیزی دارد؛ اما بسته به جهت آن، دو حالت ممکن است: اگر فعال سازی آسیب زدن باشد، بی اخلاقی پرهیزی (فلش 1) و اگر اجتناب از آسیب زدن باشد، اخلاق پرهیزی (فلش 3) خواهد بود. به شیوه مشابه، عملی که نسبت به تأمین بهزیستی تعریف شده باشد، بنیان توصیه ای دارد. حال اگر فعال سازی تأمین بهزیستی باشد اخلاق توصیه ای (فلش 2) و اگر اجتناب از فعال سازی تأمین بهزیستی باشد، بی اخلاقی توصیه ای (فلش 4) است.

علاوه بر وجود ابهام در تعریف ساختاری جنوف - بالمن و همکارانش از دو سیستم اخلاقی، به محتوای خانه های مدل انگیزه های اخلاقی ایشان (شکل

تعریف دو نوع سیستم اخلاقی پرهیزی و توصیه ای در نوشته های جنوف - بالمن و همکارانش حاوی ابهام و تناقض است. این محققان، برای تمیز این دو نوع اخلاق، از سویی به وجود "نباید" (برای پرهیزی) و "باید" (برای توصیه ای) در ابتدای جمله ای مربوطه بسنده نموده اند (مطالعه ای اول جنوف - بالمن و همکاران، 2009) و از دگرسو، شروط و تبصره های دیگری قائل شده اند (جنوف - بالمن و کارنز، 2013b)؛ یکی اینکه انجام هر کار اخلاقی لزوماً توصیه ای نیست و انجام ندادن هر کار غیر اخلاقی لزوماً پرهیزی نیست، بلکه، جهت گیری انگیزشی زیربنایی (سرکوب خودخواهی و اجتناب از آسیب رساندنبه دیگران در مقابل نوع دوستی و انجام کاری برای بهزیستی دیگران) باید مبنا قرار گیرد و لذا هر کدام از دو جهت گیری پرهیزی و تجویزی می تواند شامل اخلاق یا بی اخلاقی باشد. دیگر اینکه برخی اعمال، علی رغم ابراز شدن با "باید" (مانند "باید از قانون اطاعت کرد") در واقع پرهیزی هستند، زیرا دلالت بر نوعی ممنوعیت یا محدودیت دارند. از دید ایشان، ماهیت اجباری اخلاق پرهیزی در مقابل ماهیت اختیاری اخلاق توصیه ای کلید تمایز این دو سیستم از یکدیگر است. برای حل این تناقض در نوشته های جنوف - بالمن و همکارانش، در مقاله ای حاضر، با

بیشتر رنگ و بوی اجتنابی داشته باشد (اجتناب از نابرابری، اجتناب از طلبکار/ بدهکار شدن در رابطه با دیگران). به نظر می‌رسد این نقص‌ها و ابهامات، متأثر از نگاه سوگیرانه و محدودی باشد که این محققان به مفاهیمی چون "بهبیستی"، "محدودیت" و "اختیار" دارند، درحالی‌که تعریف اینها وابسته به بافت موضوعی است. برای جبران این کمبود، می‌توان موجودیتی که آسیب به آن وارد یا بهبودی آن تأمین می‌شود را بر مبنای محتوای بنیادها متغیر دانسته و از روی الگوی کلی پیشنهاد شده در شکل 2، الگوهای مشخص‌تری برای هر بنیاد استخراج نمود (شکل 3).

1) نیز ایراداتی وارد است. چرا باید محتوای خانه توصیه‌ای خود منحصر به کار و پشتکار باشد؟ به نظر می‌رسد بتوان مواردی مثل دعا، عبادت و حفظ پوشیدگی را نیز متعلق به این خانه دانست. مفاهیم آسیب زدن و کمک کردن در ستون میان فردی نیز بسیار کلی هستند، درحالی‌که آسیب و کمک، بسته به نوع رابطه بین دو نفر می‌تواند شکل متفاوتی به خود بگیرد؛ چنانکه محافظت کردن یک نفر از رفیقش با حفاظت وی از اربابش تفاوت دارد. مورد دیگر، قرار دادن انصاف در ردیف اخلاق توصیه‌ای و در کنار کمک کردن است؛ درحالی‌که طبق تعریف (گراهام و همکاران، 2011)، انتظار بر این است که انصاف،

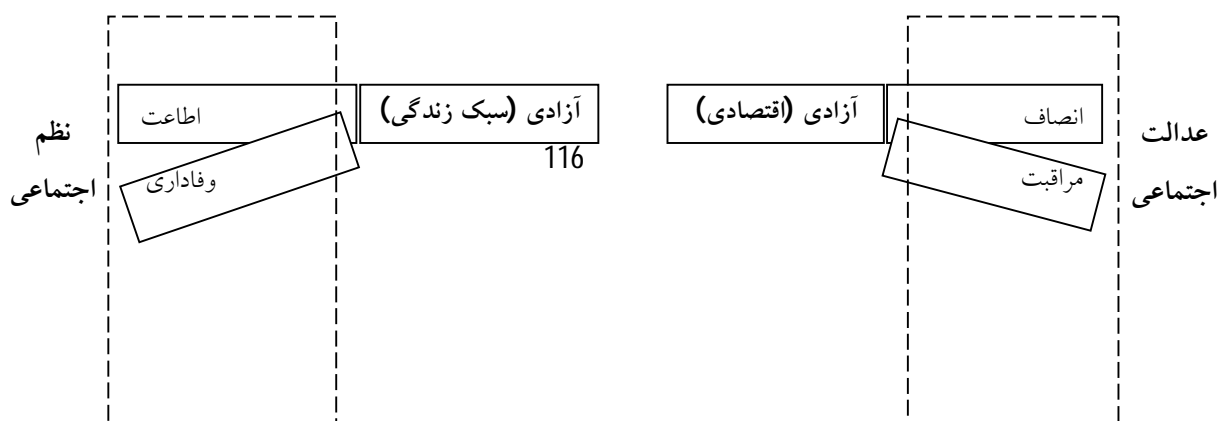


شکل 3. الگوهای اختصاصی پیشنهادی برای تعیین جهت‌گیری انگیزشی رفتارهای اخلاقی/غیراخلاقی در متن هر بنیاد.

آزادی سبک زندگی، افراد آزادند آن گونه که خودشان می‌خواهند فکر و زندگی کنند (ایر و همکاران، 2012).

بنابراین می‌توان تصور نمود و اخلاق گروه‌محور مطرح شده توسط جنوف - بالمن و کارنز (2013a) که مبتنی برتنظیم‌گری اجتماعی هستند، قطب مخالف بنیاد آزادی باشند (شکل 4). به این نحو که عدالت اجتماعی نقطه مقابل آزادی اقتصادی و نظم اجتماعی نقطه مقابل آزادی سبک زندگی است. پیشتر بیان شد که این محققان، بنیادهای اطاعت و وفاداری را بانظم اجتماعی هم‌خانه دانسته‌اند (شکل 1)؛ لذا این دو بنیاد را می‌توان آجرهای نظم اجتماعی دانست. این نویسندگان، عدالت اجتماعی را به بهانه تمرکز آن بر گروه به جای تک‌تک افراد، متمایز از بنیاد انصاف شمرده‌اند، درحالی‌که دلیلی وجود ندارد که تغییر بافت الزاماً منجر به ایجاد "دو دغدغه‌ی اخلاقی متمایز" شود. ایشان همچنین عدالت بین فردی را بر لیاقت فردی و عدالت اجتماعی را بر توزیع برابر منابع در سطح گروه مبتنی دانسته‌اند، درحالی‌که اینها دو نگاه مختلف به مقوله عدالت و نه دو مقوله متمایز هستند که می‌توانند در سطح بین فردی یا گروهی پیاده‌سازی شوند. لذا، همسو با نظر گراهام (2013)، انصاف و نیز مراقبت، آجرهای عدالت اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. با این مفهوم‌سازی، عدالت اجتماعی نیز توسط بنیادهای فعلی پوشانده می‌شود.

از این گذشته، جنوف - بالمن و کارنز (2013a)، اخلاق گروه‌محور عدالت اجتماعی را توصیه‌ای و نظم اجتماعی را پرهیزی دانسته‌اند، درحالی‌که دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم در متن نظم اجتماعی، رفتارهای توصیه‌ای نوع‌دوستی و همدلی وجود ندارد و یا ایجاد برابری اقتصادی در متن عدالت اجتماعی کمتر از پیروی از عرف‌های گروه در نظم اجتماعی پرهیزی است. حتی خود نویسندگان نیز از لزوم اعمال "تنظیم‌گری" از جانب دولت برای برقراری هر یک از دو نوع اخلاق گروه‌محور مذکور در یک جامعه صحبت کرده‌اند (همان منبع، ص 11). تمایز در اینجاست که برای برقراری عدالت اجتماعی باید میل خودخواهانه افراد به داشتن منابعی بیشتر از دیگران سرکوب شود، درحالی‌که برای برقراری نظم اجتماعی باید میل خو/خواهانه افراد به داشتن سبک زندگی و ظاهری دلخواه و ناهمگون با دیگر اعضا تحت کنترل درآید. این دو اخلاق گروه‌محور با مسائل اجتماعی متفاوتی نیز مرتبط بوده‌اند (همان منبع، ص 9)؛ عدالت اجتماعی با مسائل خوشه‌ی "اقتصادی" (تقسیم منابع و فرصت‌ها) و نظم اجتماعی با خوشه "سبک زندگی" (روابط، ظاهر، خورد و خوراک) ارتباط دارد. این دو حوزه یادآور دو عاملی هستند که تازه‌ترین عضو خانواده بنیادهای اخلاقی (آزادی/ سرکوب) بر آنها بار گرفته است: در آزادی اقتصادی، افراد اختیار بی‌چون و چرا بر دارایی شخصی خود دارند و در



شکل 4. باز مفهوم‌سازی دو اخلاق گروه‌محور عدالت اجتماعی و نظم اجتماعی بر اساس بنیادهای اخلاقی.

ابزار. داده‌ها با استفاده از مصاحبه ساختارمند جمع‌آوری شد. پرسش اول ("یه جامعه آرمانی از دید شما چه طوریه؟") درباره تصویر ذهنی افراد از جامعه آرمانی بود. موضوع پرسش‌های دوم ("به نظر شما چه جور رفتارهایی از نظر اخلاقی نادرست هستند؟") و سوم ("چه موقع می‌گید که یک نفر اخلاقی رفتار کرده؟") توصیف افراد از رفتارهای به ترتیب غیراخلاقی و اخلاقی بود. سؤالات جمعیت‌شناختی شامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اقتصادی بود.

روش اجرا. از دانشجویان یک کلاس روان‌شناسی خواسته شد هر کدام با حداقل پنج فرد بالای هجده سال و تا حد امکان متنوع، با به‌کارگیری عین واژه‌ها و ترتیب مشخص شده (سؤالات جمعیت‌شناختی بعد از پرسش‌های اصلی) مصاحبه نمایند.

روش آماده‌سازی داده‌ها. متن پاسخ‌های افراد به قطعه‌های کوچک‌تر یا عبارات‌ها تقسیم

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به محتوای بازنمایی بنیادها در ذهنیت اخلاقی فرهنگ ایرانی و مقایسه ویژگی‌های آن با یافته‌های خارجی است. به این منظور، یک گروه ایرانی تصور خود را در مورد جامعه آرمانی، رفتارهای اخلاقی و رفتارهای غیراخلاقی به شکلی خودانگیزخته بیان می‌کنند تا بر مبنای آن، دسته‌بندی بنیادها و نیز بافت ارتباطی هدف و بار انگیزشی آن‌ها تعیین شده و فرضیات مطرح‌شده درباره این ویژگی‌های بنیادها، بخصوص از جانب دو نظریه‌پرداز مطرح این حوزه یعنی جنوف - المن و گراهام، آزموده شود.

روش

روش پژوهش، جامعه و نمونه، روش پژوهش، غیرآزمایشی است. جامعه پژوهش، ایرانیان بالای هجده سال هستند که از میان آن‌ها 172 نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند.

پایین تر، 77/3% کارشناسی و کارشناسی ارشد و 2/9% بالاتر بودند. از نظر سطح اقتصادی، 12/8% از طبقه متوسط به پایین و 44/8 و 41/3 درصد به ترتیب متوسط و متوسط به بالا بودند.

برای بنیادهای مراقبت، انصاف، وفاداری، اطاعت، تقدس و آزادی، در کل به ترتیب 35، 37، 16، 15، 42 و 14 مصداق استخراج شد. جدول 1 فهرست مصداق‌های دارای بالاترین فراوانی‌ها در هر بنیاد را ارائه می‌کند.

هر ستون از بالا به پایین و در ادامه ستون قبلی سمت راستش باید خوانده شود.

مصداق‌های مربوط به هر بنیاد در زیر نام آن بنیاد درج شده‌اند.

مصداق‌های مشترک بین دو بنیاد، ذیل هر دو درج شده‌اند.

عناوین برخی مصداق‌ها هر دو جنبه اخلاقی و غیراخلاقی را در بر دارند، چراکه توصیف گر محتوای پاسخ‌ها به هر سه پرسش مصاحبه (جامعه آرمانی، رفتارهای غیراخلاقی، رفتارهای اخلاقی) هستند. به منظور وفاداری به بیان مصاحبه‌شونده‌ها، عبارات جزئی (مانند "کمک به فقیر") در عبارات کلی‌تر (مانند "کمک به دیگران") ادغام نشده‌اند و ادغام‌ها حدالامکان بین موارد هم‌سطح انجام گرفته‌است (مثل "کمک به سانحه دیده" و "کمک به یتیم").

شد و سپس هر عبارت از نظر تعلق به بنیادهای اخلاقی کدگذاری شد. به‌منظور تشخیص بنیادی که هر عبارت متعلق به آن است، از تعریف بنیادها و نمونه‌های بیان‌شده برای آن‌ها در مقاله‌های اخیر نظریه بنیادهای اخلاقی (گراهام و همکاران، 2011؛ 2013) و لغت‌نامه این نظریه (گراهام و هایت، بدون تاریخ) استفاده شد. پس از کدگذاری عبارات، عبارات مربوط به هر بنیاد بر اساس شباهتشان به یکدیگر در قالب مصداق‌هایی بزرگ‌تر دسته‌بندی شدند و به این ترتیب، فهرستی از مصداق‌ها برای هر بنیاد اخلاقی تهیه شد. سپس دو ویژگی برای هر مصداق تعیین شد:

- بافت ارتباطی هدف و جهت‌گیری انگیزشی.

- بافت هدف هر مصداق

بر اساس تعریف جنوف - بالمن و کارنز (2013a) از بافت‌های ارتباطی بار انگیزشی هر مصداق بر اساس الگویی که محقق برای منسجم‌سازی تعاریف جنوف - بالمن و همکارانش (2009؛ 2013a؛ 2013b) پیشنهاد نموده است (شکل 3) تعیین شد.

یافته‌ها

میانگین سن مصاحبه‌شوندگان 31/02 سال (SD=13/65) بود. 55/2 درصد زن و باقی مرد بودند. از نظر تحصیلات، 18/6% فوق دیپلم و

پگاه نجات و همکاران: بررسی ویژگی‌های شناختی - اجتماعی بازنمایی ذهنی و دغدغه‌های اخلاقی: گروه‌بندی ...

جدول 1. پراچ‌ترین مصداق‌های بنیادها در پژوهش حاضر و فراوانی ارجاع به هر کدام در مجموع سه پرسش

فراوانی	مصداق	فراوانی	مصداق	فراوانی	مصداق
4	پابندی به اصول و چارچوب معین (پ)	19	رفتار با دیگران چنانکه می‌خواهیم با ما رفتار شود (پ)	373	بنیاد مراقبت/آسیب ↓
459	بنیاد تقدس/تنزل ↓	18	نادیده گرفتن نظرات دیگران، انتقادپذیری، تعصب، منطق (پ)	32	کمک به دیگران (ت)
90	احترام گذاشتن به دیگران، تحقیر/حفظ شخصیت یا آبروی افراد، بی‌محملی (پ)	92	بنیاد وفاداری/خیانت ↓	30	آزار و اذیت و مزاحمت، سلب آسایش دیگران (پ)
57	رعایت ارزش‌ها و دستورات دینی، عمل بر اساس قرآن/سیره معصومین (ت)	18	خیانت، از پشت خنجرزدن، خیانت زناشویی، وفاداری (پ)	29	کمک به فقیر، خیریه‌ها (ت)
46	لحن و رفتار مؤدبانه، عد متوهین (پ)	12	خلف وعده، بدقولی، انجام تعهدات (پ)	26	همدلی، اهمیت دادن به دیگران، انسان‌دوستی (ت)
41	بدگویی/تعریف از فرد در غیاب او (پ)	9	ایثارگری، شهادت، گذشتن از خود برای رسیدن دیگری به موفقیت (ت)	23	دعوا، پرخاشگری، خشونت (پ)
30	صبوری و آرامش، کنترل خود، عصبانیت، متانت (پ)	9	هوای یکدیگر را در گروه داشتن، کمک به/رها کردن اعضای خانواده، تخفیف به هم قومیتی خود (ت/پ)	22	خوش‌اخلاق بودن، تندخویی (پ/ت)
22	روابط نامشروع، فحشا، فساد، نگاه ناپاک، تماس با نامحرم (پ)	7	رعایت نکردن اخلاق خانوادگی (پ)	17	مهربانی، محبت (ت)
18	بددهنی، فحاشی، کلام پاک (پ)	6	تبعیت از فرهنگ‌ها/ادیان غیرخودی و برتر شمردن آداب و ارزش‌های آن‌ها (پ)	17	سوءاستفاده جنسی از زنان/کودکان، ایجاد مزاحمت برای زنان (پ)
17	سوءاستفاده جنسی از زنان/کودکان، ایجاد مزاحمت برای زنان (پ)	6	همکاری با یکدیگر (ت)	17	آسیب زدن به دیگران (پ)
15	تهمت زدن (پ)	5	نفاق، همبستگی (پ)	13	کمک به سالمند و معلول و نابینا (ت)
10	حفظ پوشش، حجاب (ت)	5	کاربرای پیشبرد منافع کشور، حمایت‌لایه‌خطر انداختن جامعه خود (پ/ت)	650	بنیاد انصاف/تقلب ↓
116	بنیاد آزادی/سرکوب ↓	195	بنیاد اطاعت/بیراندازی ↓	122	احترام گذاشتن به حق دیگران، جبران خسارت (پ)
28	آزادی، احترام به آزادی‌های فردی، سنگ-اندازی در مسیر تحقق آرزوهای دیگری، محدودیت و اجبار (پ)	70	رفتار خارج از عرف/سنت/ارزش‌های جامعه (پ)	77	صداقت، دورویی، تظاهر، تضاد حرف و عمل (پ)
21	احترام به نظرات افراد، ایرادگیری از تفکر دیگری، آزادی عقاید (پ)	39	نقض قوانین، رعایت نظم و انضباط (پ)	75	دروغ گفتن، راست‌گویی (پ)
17	احترام گذاشتن به حریم/حد و مرزهای افراد، عدم تجسس در زندگی دیگران (پ)	28	مسئولیت‌پذیری حکومت، رفتار مناسب رییس با زیردست، تبیین بایدها و نبایدها توسط حاکم (پ)	66	تبعیض (جنسیتی، نژادی، سنی، ...) دراختیارات، امکانات، منابع (پ)
10	آزادی احزاب، آزادی بیان (پ)	14	احترام به بزرگ‌ترها و بزرگان، نادیده گرفتن نصیحت‌های بزرگ‌ترها (پ)	28	زدی، اختلاس، بی‌اجازه برداشتن اموال دیگران (پ)
7	عدم دخالت در زندگی شخصی دیگران، واگذاشتن سرنوشت افراد به خودشان (پ)	12	وظیفه‌شناسی (پ)	26	عدالت، انصاف (پ)
7	ظلم و زورگویی (پ)	9	وجود رهبر و اطاعت از او، ایمان مردم به حاکمان خود (پ)	25	قضاوت (نایب)، بدون اطلاعات کافی، ظاهری) درمورد دیگران/پیش‌داوری (پ)
7	تحمیل نظر خود به دیگران (پ)	8	بی‌احترامی به والدین، قدرشناسی از والدین، پذیرش حرف والدین (پ)	24	تناسب جایگاه با شایستگی (شایسته‌سالاری)، عدم استناد اجتماعی (پ)

سوال اول. بنیادها چگونه گروه‌بندی

می‌شوند؟ برای تعیین ساختار عاملی ارجاع به بنیادها به تفکیک سه پرسش، تحلیل عاملی اکتشافی بر روی فراوانی‌های ارجاع به شش بنیاد در آن پرسش انجام شد. منظور از فراوانی ارجاع به هر بنیاد در یک پرسش معین، تعداد کل عبارت‌های متعلق به آن بنیاد است که هر پاسخگو در پاسخ به آن

پرسش‌بندان کرده است. اجرای این تحلیل با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش ابلیمین مستقیم (جدول 2)، سه عامل معنادار در هر یک از سه پرسش به دست داد که به ترتیب 59/79، 58/11 و 57/20 درصد از کل واریانس را در پرسش‌های اول، دوم و سوم تبیین نمودند.

جدول 2. بارهای عاملی در تحلیل عاملی اکتشافی ارجاع به بنیادها در متن سه پرسش.

پرسش سوم (اخلاق)			پرسش دوم (بی‌اخلاقی)			پرسش اول (جامعه‌ی آرمانی)			بنیاد اخلاقی
عامل 1	عامل 2	عامل 3	عامل 1	عامل 2	عامل 3	عامل 1	عامل 2	عامل 3	
0/85	-0/10	-0/11	0/16	0/22	0/77	0/35	0/04	0/62	مراقبت/آسیب
-0/60	-0/30	-0/44	0/45	0/60	-0/03	0/31	0/79	0/10	انصاف/تقلب
0/19	-0/69	0/13	0/87	-0/08	-0/04	0/08	0/20	0/66	وفاداری/خیانت
-0/01	0/19	0/73	0/04	-0/45	0/46	-0/23	-0/12	0/67	اطاعت/بهراندازی
0/20	0/62	0/14	-0/29	-0/10	0/66	0/85	0/04	0/07	تقدس/تنزل
-0/10	0/30	-0/66	-0/18	0/71	0/10	-0/42	0/68	0/00	آزادی/سرکوب

توجه: بالاترین بار عاملی هر بنیاد در هر پرسش پررنگ شده است.

سوال دوم. آیا بنیادها از نظر بار

انگیزشی با یکدیگر متفاوت هستند؟ در جدول 1 مصداق‌های پرهیزی با (پ) و مصداق‌های توصیه‌ای با (ت) مشخص شده‌اند. پس از تعیین جهت‌گیری انگیزشی هر مصداق، مجذور فراوانی آن مصداق در یک پرسش معین، بر حاصل ضرب فراوانی کل آن مصداق در سه پرسش و فراوانی کل

مصداق‌ها در پرسش مربوطه تقسیم شد. عدد حاصله پس از ضرب شدن در صد، در صورت توصیه‌ای بودن محتوای مصداق در ((+1)) و در صورت پرهیزی بودن آن در ((-1)) ضرب شد. بار انگیزشی نهایی هر بنیاد، با میانگین‌گیری از بار انگیزشی مصداق‌های ذیل آن بنیاد محاسبه شد (جدول 3).

جدول 3. آمار توصیفی بار انگیزشی بنیادها به تفکیک سه پرسش و در مجموع.

در مجموع سه پرسش		پرسش سوم (اخلاق)		پرسش دوم (بی‌اخلاقی)		پرسش اول (جامعه آرمانی)		بنیاد اخلاقی
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
0/49	0/14	1/11	0/66	0/53	-0/28	0/33	0/05	مراقبت/آسیب
0/62	-0/50	0/42	-0/21	1/06	-0/62	1/39	-0/66	انصاف/تقلب
0/23	-0/03	0/41	0/11	0/36	-0/20	0/30	0/01	وفاداری/خیانت
0/51	-0/42	0/74	-0/35	0/51	-0/31	1/22	-0/61	اطاعت/براندازی
0/46	-0/17	0/61	-0/11	0/89	-0/41	0/24	0/00	تقدس/تنزل
0/33	-0/26	0/13	-0/06	0/15	-0/12	0/97	-0/61	آزادی/سرکوب

آزمون تحلیل واریانس مختلط با عامل درون‌آزمودنی پرسش و عامل برون‌آزمودنی بنیاد اخلاقی نشان داد اثر اصلی پرسش معنادار است ($F(1/94, 298/11) = 8/52, p < 0/001$)، به‌گونه‌ای که محتوای پاسخ‌ها به پرسش سه توصیه‌ای‌تر از دو پرسش دیگر بود ($ps < 0/01$) که خودشان تفاوت معناداری با هم نداشتند ($p = 1/000$). همچنین اثر اصلی بنیاد معنادار بود ($F(5, 154) = 7/53, p < 0/001$). مقایسه بار انگیزشی بنیادها با استفاده از آزمون تعقیبی گیمز-هاول نشان داد بنیاد مراقبت نسبت به بنیادهای انصاف، اطاعت، آزادی ($ps < 0/05$) و تقدس (مرزی، $p = 0/052$) توصیه‌ای‌تر بود؛ همان‌طور که بنیاد وفاداری بار انگیزشی توصیه‌ای‌تری نسبت به بنیاد انصاف داشت ($p = 0/002$). درحالی‌که چهار بنیاد انصاف، اطاعت، تقدس و آزادی تفاوت معناداری با هم نداشتند ($ps > 0/11$). اجرای آزمون t تک‌گروهی مقایسه‌ی بار انگیزشی تک‌تک بنیادها با صفر نشان داد بنیادهای مراقبت و وفاداری انحراف معناداری نسبت به صفر نداشتند.

سوال سوم. هر کدام از بنیادها معطوف به کدام بافت ارتباطی است؟ جدول 4 فراوانی ارجاع پاسخگویان به مصداق‌های مربوط به هر بنیاد و بافت ارتباطی را ارائه می‌دهد. در این جدول همچنین نتیجه آزمون مربع‌خی‌دو برای مقایسه فراوانی ارجاع به سه بافت ارتباطی، جداگانه برای هر بنیاد گزارش شده است. غیر از

آزمون تحلیل واریانس مختلط با عامل درون‌آزمودنی پرسش و عامل برون‌آزمودنی بنیاد اخلاقی نشان داد اثر اصلی پرسش معنادار است ($F(1/94, 298/11) = 8/52, p < 0/001$)، به‌گونه‌ای که محتوای پاسخ‌ها به پرسش سه توصیه‌ای‌تر از دو پرسش دیگر بود ($ps < 0/01$) که خودشان تفاوت معناداری با هم نداشتند ($p = 1/000$). همچنین اثر اصلی بنیاد معنادار بود ($F(5, 154) = 7/53, p < 0/001$). مقایسه بار انگیزشی بنیادها با استفاده از آزمون تعقیبی گیمز-هاول نشان داد بنیاد مراقبت نسبت به بنیادهای انصاف، اطاعت، آزادی ($ps < 0/05$) و تقدس (مرزی، $p = 0/052$) توصیه‌ای‌تر بود؛ همان‌طور که بنیاد وفاداری بار انگیزشی توصیه‌ای‌تری نسبت به بنیاد انصاف داشت ($p = 0/002$). درحالی‌که چهار بنیاد انصاف، اطاعت، تقدس و آزادی تفاوت معناداری با هم نداشتند ($ps > 0/11$). اجرای آزمون t تک‌گروهی مقایسه‌ی بار انگیزشی تک‌تک بنیادها با صفر نشان داد بنیادهای مراقبت و وفاداری انحراف معناداری نسبت به صفر نداشتند.

بربافت میان فردی و تمرکز بنیاد اطاعت بر بافت گروهی بود. تعداد مصداق‌های بنیاد آزادی در بافت‌های فردی و میان فردی تقریباً مساوی و در هر دو بیشتر از بافت گروهی بود.

بنیاد وفاداری که ارجاع به مصداق‌های میان فردی و گروهی آن به یک میزان بود، در سایر بنیادها، تعداد ارجاع به مصداق‌های سه بافت ارتباطی به طور معناداری متفاوت بود. به این ترتیب که تمرکز عمده بنیادهای مراقبت، انصاف و تقدس

جدول 4. فراوانی ارجاع به مصداق‌ها بر اساس بنیاد اخلاقی و بافت ارتباطی هدف.

بافت هدف	مراقبت/آسیب	انصاف/تقلب	وفاداری/خیانت	اطاعت/براندازی	تقدس/تنزل	آزادی/سرکوب	مجموع
(درون) فردی	10	21	0	19	163	51	264
میانفردی	342	483	43	28	278	59	1233
گروهی	17	143	49	148	2	6	365
مجموع	369	647	92	195	443	116	1862
مربع خی	585/09***	531/57***	0/39	159/60***	260/32***	42/22***	914/39***
درجه آزادی	2	2	1	2	2	2	2

*** p < 0/001

حاضر را در ماتریس بنیاد × جهت‌گیری انگیزشی × بافت ارتباطی هدف نشان می‌دهد. اخلاق دیگر غلبه داشت.

همچنین در مجموع، تفاوت مصداق‌ها بین سه بافت معنادار بوده و اخلاق میان فردی بر دو نوع و در نهایت، جدول 5 نحوه‌ی جاگیری مجموعه مصداق‌های شناسایی‌شده در پژوهش

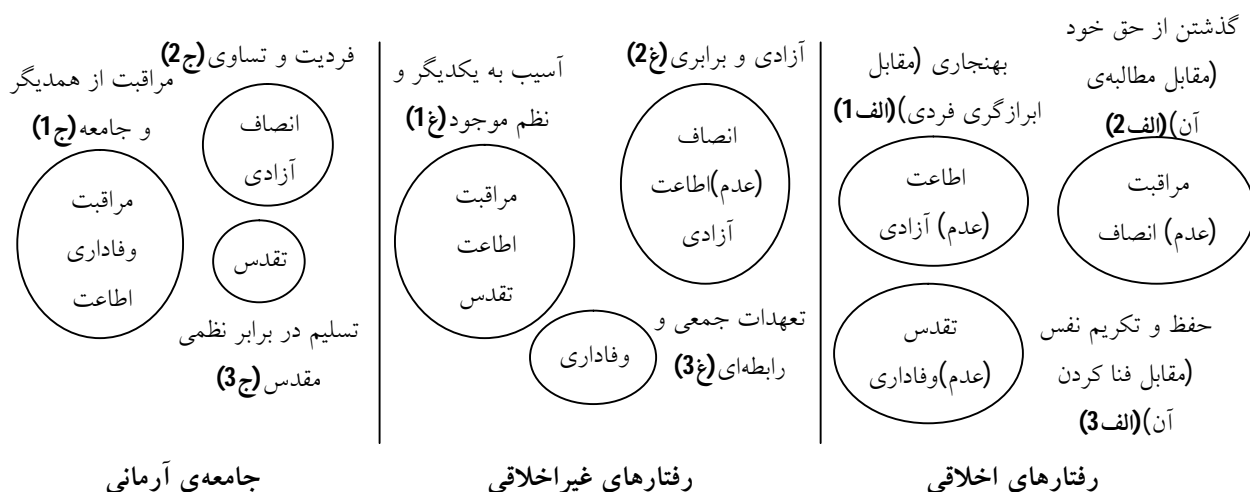
جدول 5. نقشه پراکندگی مصداق‌ها بر اساس بنیاد، جهت‌گیری انگیزشی و بافت ارتباطی.

بافت هدف	جهت‌گیری انگیزشی	مراقبت/آسیب	انصاف/تقلب	وفاداری/خیانت	اطاعت/براندازی	تقدس/تنزل	آزادی/سرکوب
(درون) فردی	توصیه‌ای	-----	-----	-----	-----	10	-----
فردی	پرهیزی	1	2	-----	4	12	7
میان فردی	توصیه‌ای	18	1	2	-----	2	-----
فردی	پرهیزی	14	26	6	5	13	5
گروهی	توصیه‌ای	1	-----	3	-----	-----	1
	پرهیزی	2	6	8	5	2	-----

نتیجه‌گیری و بحث

عمده‌تری بر جهت ارتباطی آشناتر، یعنی تلاش و فداکاری عضو برای گروه شو احترام و متابعت فرودست نسبت به بالادست تأکید نموده و در مورد جهت دیگر در بهترین حالت به اشاره‌ای گذرا اکتفا کرده‌اند. در مقابل، شودر و همکاران (1997)، در توضیح استعاره‌ی اخلاق جمعی خود که آن را "اخلاق فئودالی" نامیده‌اند به هر دو جهت ممکن پرداخته‌اند. با پیروی از این نگاه، در پژوهش حاضر نیز، مفهوم‌سازی جهت‌گیری انگیزشی (شکل 3) با بذل توجه به هر دو جهت ارتباطی انجام گرفته است. در ادامه، یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص سه ویژگی محتوایی بنیادهای اخلاقی، یعنی ساختار عاملی، جهت‌گیری انگیزشی و بافت ارتباطی هدف، خلاصه شده و با پیش‌بینی‌های موجود در مورد بنیادها مقابله می‌شود.

نجات، باقریان، شکری و حاتمی (2015) الگوی تکیه‌ی ایرانیان بر بنیادهای اخلاقی را استخراج نموده و آن را با یافته‌هایی که از میزان اهمیت بنیادها نزد سایر ملت‌ها در دست است مقایسه نمودند. در تکمیل آن، مطالعه حاضر به بررسی نحوه بازنمایی و ویژگی‌های محتوایی هر بنیاد پرداخت. بیشتر مصداق‌های استخراج شده با مصداق‌هایی که در مقالات مختلف توسط پردازندگان نظریه بنیادهای اخلاقی بیان شده‌اند مشترک بود و یا فرآیند زیربنای آن‌ها با اندکی تأمل قابل بازگشت به مفهوم محوری مفروض برای هر بنیاد بود. یک نکته قابل توجه، وجود مصادیقی از حمایت گروه از عضو در بنیاد وفاداری و مسئولیت‌پذیری بالادست در قبال فرودست در بنیاد اطاعت بود. این در حالی است که تعاریف و مصداق‌های مطرح شده برابین دو بنیاد در منابع نظریه بنیادهای اخلاقی، به طور



شکل 5. عامل‌های استخراج شده از فراوانی بنیادها به تفکیک سه پرسش مصاحبه.

سوال اول. بنیادها چگونه گروه‌بندی

می‌شوند؟ نتایج کاهش بنیادها به عوامل زیربنایی نشان می‌دهد که گروه‌بندی بنیادها به موضوع فراخواننده آن‌ها بستگی دارد و لذا نمی‌توان یک دسته‌بندی همه‌جایی برای بنیادها ارائه داد (شکل 5). تعداد دسته‌های حاصل از بنیادها در هر پرسش سه بود که سه‌گانه‌ی اخلاقی پیشنهاد شده توسط شودر و همکاران (1997) در جنوب شرق آسیا را تداعی می‌کند: اخلاق خودمختاری¹ مبتنی بر حفظ حقوق و مساوات، آزادی فردی و خودمختاری است و در آن، شخص دارای حق انتخاب در نظر گرفته می‌شود. اخلاق جمعی² مبتنی بر پیروی از سنت‌ها و وابستگی به گروه است و در آن، فرد به‌عنوان جزئی از یک کل بزرگ‌تر مدنظر است؛ و در نهایت، در اخلاق لاهوتی³، فرد به‌عنوان موجودیتی روحانی و متصل به نظامی مقدس و فراخاکی شمرده شده و حفظ نظم طبیعی موجود، پاکی و تمامیت جسم و روحو کنترل غرایز اهمیت دارد. با کمی تأمل در هویت دسته‌ها که با توجه به محتوای بنیادها در هر پرسش تعیین شده است، می‌توان این سه نوع اخلاق را در هر سه پرسش شناسایی کرد (شکل 5): الف 1 (به طور معکوس)، غ 2 و ج 2 را می‌توان از جنس اخلاق خودمختاری، الف 2، غ 3 و ج 1 را اخلاق جمع‌یو الف 3، غ 1 و ج 3 را می‌توان از جنس اخلاق لاهوتی شمرد. به دیگر بیان، باید چنین خلاصه نمود که تعداد و ماهیت دسته‌ها ثابت است، اما بنیادها بسته به موضوع، به شیوه متفاوتی

1. Autonomy
2. Community
3. Divinity

در دسته‌ها پخش شده‌اند. یافته‌ی مربوط به گروه‌بندی بنیادها همچنین بخشی از مدل پیشنهادی پژوهشگر (شکل 4) را تأیید می‌کنند؛ در این مدل، آزادی سبک زندگی در تقابل با اطاعت و آزادی اقتصادی در تقابل با انصاف قرار داده شده است. از آنجا که مصادیق بیان‌شده توسط پاسخگویان برای آزادی، از نوع سبک زندگی بودند (جدول 1)، لذا باید منتظر تقابل آزادی با اطاعت بود که دسته‌بندی به دست آمده نیز این پیش‌بینی را تأیید می‌کند، چراکه در دو پرسش از سه پرسش، آزادی به طور معکوس با اطاعت هم‌گروه بود.

دسته‌بندی سه عاملی بنیادها در این پژوهش، ظاهراً در تناقض با یافته گراهام و همکاران (2011)، یعنی استخراج دو عامل فردگرایانه (مراقبت و انصاف) و پیوندگرایانه (وفاداری، اطاعت و تقدس) از بنیادها است. منتها باید توجه نمود که این محققان، دو عامل مذکور را از داده‌های پرسشنامه بنیادهای اخلاقی استخراج کرده‌اند که یک بازنمایی موضوع - رها از اتکای افراد به بنیادها در قضاوت فراهم می‌آورد و لذا نمی‌تواند مانعی برای تبیین نتایج دسته‌بندی در بازنمایی‌های موضوع - وابسته باشد. ازسوی دیگر، همین محققان دریافته‌اند که اگرچه در موضوع تفاوت‌های ایدئولوژی سیاسی، تقدس با وفاداری و اطاعت هم‌گروه است، اما در موضوع تفاوت‌های جنسیتی، این بنیاد با مراقبت و انصاف تشابه نتایج دارد. با این حال، نظر به تأکید این نظریه‌پردازان بر دسته‌بندی دوامی مذکور در منابع مختلف، به نظر می‌رسد تا به امروز توجه

جدی به موضوع - وابستگی گروه‌بندی بنیادها نشده است. این در حالی است که نتایج مطالعه حاضر در سه موضوع جامعه آرمانی، رفتارهای اخلاقی و رفتارهای غیراخلاقی نشان می‌دهد که حداقل سه دسته برای توصیف اخلاق موردنیاز است. در واقع، ابهام‌برانگیز است که علی‌رغم تأثیرپذیری نظریه بنیادهای اخلاقی از اخلاق سه گانه پیشنهادی شود، دسته‌های اصلی مورد بحث در منابع این نظریه به دو عامل تقلیل یافته‌اند. این یافته ممکن است به دلیل فضای فکری خاص نمونه‌های غربی باشد که در نزد ایشان، گفتمان اخلاقی لاهوتی در دو گفتمان اخلاقی دیگر جذب شده است.

سوال دوم. آیا بنیادها از نظر بار انگیزشی با یکدیگر متفاوت هستند؟ جنوف - بالمن با اتکا بر تعاریفی مبهم و متناقض، یک جهت‌گیری انگیزشی خاص را به هر یک از بنیادهای اخلاقی نسبت داده است و بر اساس آن، نظریه بنیادهای اخلاقی را متهم به تمرکز بر اخلاق پرهیزیو غفلت از اخلاق توصیه‌اینموده است؛ اما در این مقاله، چارچوبی برای تعیین جهت‌گیری انگیزشی انگیزه‌های اخلاقی معرفی و استفاده شد که ضمن تکیه بر تعاریف جنوف - بالمن، آن‌ها را شفاف‌تر و منسجم‌تر نموده و دست‌کم به‌طور نظری، فرصت توصیه‌ای یا پرهیزی بودن را برای تمام بنیادها فراهم می‌کند، همان‌طور که گراهام (2013) نیز همه بنیادها را به‌طور بالقوه واجد هر دو جزء توصیه‌ای و پرهیزی شمرده است. وجود مصداق‌هایی از هر دو جهت انگیزشی در تقریباً تمام بنیادها (به‌جز اطاعت) باعث می‌شود تصویر

ترسیمی توسط جنوف - بالمن را محدود و ناکافی بدانیم. با این حال، نظر به پرهیزی بودن بار انگیزشی کلی چهار بنیاد و خشتی بودن دو بنیاد دیگر، به نظر می‌رسد در تصور اخلاقی افراد، اخلاق پرهیزی پررنگ‌تر از اخلاق توصیه‌ای باشد و این یافته ظاهراً بر انتقاد جنوف - بالمن صحنه می‌گذارد؛ اما در واقع، نشان می‌دهد چیزی که وی به آن نقد وارد کرده، یعنی برجستگی اخلاق پرهیزی در نظریه بنیادهای اخلاقی، نه اعمال یک سوگیری دلبخواهی از جانب پردازندگان آن، بلکه واقعیتی مربوط به ماهیت تصور ذهنی افراد است؛ و شاید این نظریه‌پردازان، به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه صرفاً این واقعیت را در تعاریف خود منعکس کرده باشند. با این حال، حتی جهت‌گیری انگیزشی کلی به دست‌آمده برای بنیادها نیز با آنچه جنوف - بالمن برای آن‌ها پیش‌بینی کرده بود متفاوت بود. جنوف - بالمن بنیادهای فردگرایانه (انصاف و مراقبت) را توصیه‌ای و بنیادهای جمع‌گرایانه (وفاداری، اطاعت، تقدس) را پرهیزی شمرده است. درحالی‌که در پژوهش حاضر، وفاداری بعد از مراقبت توصیه‌ای‌ترین بنیاد و انصاف در انتهای جدول و پرهیزی بود. همچنین بار انگیزشی بنیادها، به‌خصوص آن‌هایی که مصداق‌های متنوع‌تری از هر دو جهت‌گیری توصیه‌ای و پرهیزی داشتند در بافت موضوعات مختلف متفاوت بود. نظر به اینکه محتوای ذهنی افراد از رفتارهای اخلاقی، توصیه‌ای‌تر از محتوای مربوط به رفتارهای غیراخلاقی بود، می‌توان چنین تصور نمود که پاسخگویان، مصداق‌هایی برای هر بنیاد

(2013) و مدل پیشنهادی پژوهشگر (ر.ک. شکل 4)، دو اخلاق گروه محور جنوف - بالمن اساساً حاصل کاربرد بنیادهای موجود در بافتی متفاوت و بعضاً از سوی موجودیت‌هایی متفاوت بوده و در بردارنده مفهوم جدیدی نیستند.

علی‌رغم وجود مصداق‌هایی از هر بافت ارتباطی برای تقریباً تمام بنیادها (به استثنای وفاداری)، اما در نهایت هر کدام از بنیادها گرایش بیشتری به یک یا دو بافت خاص داشتند. بافت غالب برای مراقبت، انصاف و تقدس، میان فردی و برای اطاعت، گروهی بود. بافت‌های میان فردی و گروهی برای وفاداری و فردی و میان فردی برای آزادی، تقریباً به یک اندازه پررنگ بودند؛ بنابراین به استثنای تقدس و تا حدی وفاداری، یافته‌ها گرایش کلی حاکم بر تعاریف نظریه را تأیید می‌کنند. با این حال، همچنان که اشاره شد، اکتفای صرف بر این گرایش‌های کلی، تصویر ناقصی از قابلیت‌های بنیادها ترسیم می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی نیز در مطالعات خود، مفهوم و تعریف بنیادها را تا حد ممکن فارغ از بافت ارتباطی در نظر بگیرند تا تصویر جامع‌تری از آن‌ها فراهم سازند.

خالی ماندنیک سوماز خانه‌های ماتریس پیشنهادی گراهام (2013) بیانگر آن است که دست‌کم در یک مطالعه، تمام ترکیبات ممکن در دسترس نبوده است. البته همچنان امکان دارد بتوان با تغییر روش یا گفتمان، ترکیب‌های متنوع‌تری را فراخواند. این چالش به پژوهشگران بعدی واگذار می‌شود.

در ذهن دارند که به هنگام صحبت در متن هر موضوع، آن مصداق‌هایی از هر بنیاد را که با بار انگیزشی آن موضوع همسویی بیشتری دارند گزینش و استفاده می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد جهت‌گیری انگیزشی بنیادها بسیار سیال‌تر از آن چیزی باشد که جنوف - بالمن تصویر نموده است.

سوال سوم. هر کدام از بنیادها معطوف به

کدام بافت ارتباطی است؟ به نظر جنوف - بالمن، نظریه بنیادهای اخلاقی نیمی از خانه‌های ماتریس جهت‌گیری انگیزشی \times بافت ارتباطی را مورد غفلت قرار داده است. در پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکردی متفاوت از رویکرد حاکم بر تعریف بنیادها در نظریه بنیادهای اخلاقی، به هنگام انتساب مصداق‌ها به بنیادهای اخلاقی، مکانیزم بنیادی آن‌ها، فارغ از بافت ارتباطی، ملاک تصمیم‌گیری قرار گرفت. نقشه جای‌گیری حاصل از این روش نشان داد که مصداق‌هایی در تمام شش‌خانه مذکور، از جمله ستون درون فردی وجود دارد؛ بنابراین باید به جنوف - بالمن از نقطه‌نظر انتقاد به رویکرد محدود نظریه بنیادهای اخلاقی نسبت به بافت‌های قابل ارجاع در بنیادها حق داد. با این حال، اعتراض جنوف - بالمن به این موضوع ختم نشده و مکانیزم زیربنای برخی خانه‌ها، بخصوص اخلاق توصیه‌ای - گروهی را اساساً خارج از حوزه بنیادهای موجود دانسته است؛ اما توانایی بنیادها در پوشش دادن به مقوله‌های بیان شده توسط شرکت‌کنندگان این پژوهش، حتی موارد مربوط به سطح جامعه، بیانگر این است که همسو با پاسخ گراهام

منابع

- Graham, J. (2013). "Mapping the moral maps: From alternate taxonomies to competing predictions". *Personality and Social Psychology Review*, 17, 237-241.
- Graham, J. and Haidt, J. (n.d.). *Moral Foundations Dictionary*. (Retrieved April 24, 2014). from <http://www.moralfoundations.org/sites/default/files/files/downloads/moral%20foundations%20dictionary.dic>
- Graham, J.; Haidt, J.; Koleva, S.; Motyl, M.; Iyer, R.; Wojcik, S. and Ditto, P.H. (2013). "Moral foundations theory: The pragmatic validity of moral pluralism". *Advances in Experimental Social Psychology*, 47, 55-130.
- Graham, J.; Nosek, B.A.; Haidt, J.; Iyer, R.; Koleva, S. and Ditto, P.H. (2011). "Mapping the moral domain". *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 366-385.
- Haidt, J. & Joseph, C. (2004). "Intuitive ethics: How innately prepared intuitions generate culturally variable virtues". *Daedalus*, 133, 55-66.
- Iyer, R.;Koleva, S.P.; Graham, J.; Ditto, P.H. and Haidt, J. (2012). *Understanding Libertarian morality: The psychological dispositions of self-identified libertarians*. PLoS One.
- Janoff-Bulman, R. & Carnes, N.C. (2013a). "Surveying the moral landscape: Moral motives and group-based moralities". *Personality and Social Psychology Review*, 17, 242-247.
- Janoff-Bulman, R. & Carnes, N.C. (2013b). "Moral context matters: A reply to Graham". *Personality and Social Psychology Review*, 17, 219-236.
- Janoff-Bulman, R.; Sheikh, S. and Hepp, S. (2009). "Proscriptive versus prescriptive morality: Two faces of moral regulation". *Journal of Personality and Social Psychology*, 96(3), 521-537.
- Nejat, P.; Bagherian, F.; Shokri, O. and Hatami, J. (2015). "Mental representation of (im)morality: The endorsement pattern of moral foundations among Iranians". *The Sixth International Conference of Cognitive Science*, Tehran, Iran, April 27-29. [Oral Presentation]
- Shweder, R.A.; Much, N.C.; Mahapatra, M. & Park, L. (1997). The "big three" of morality and the "big three" explanations of suffering. In A. Brandt & P. Rozin (Eds.), *Morality and health* (pp. 119-169). New York: Routledge.